

فراخوان مقاله

حضرت رقیه (س) در تاریخ

سامانه وبلاگ حوزه های علمیه خاوران
(ویژه نامه مجازی «بزم فرات»)

گردآورنده: اعظم نظری

مدرسه ی علمیه: الزهراء (س) استهبان – فارس

دیماه ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نوشتار حاضر، رهاوردی است از چکیده آن چه تاریخ، به نام و خاطره رقیه (علیهاالسلام) در خود ثبت کرده است و تلاش دارد تا دریچه ای به اقیانوس بی کران درد و رنج دخترک خورشید بگشاید و قطره ای از دریای معرفت و بینش او را در کام تشنگان زلال حقیقت بریزد، اما گفتنی است به دلیل نبود منابع کافی و محدود بودن شرح حال او، نگارنده بیشتر به بیان آن چه درباره ایشان نگاشته اند، همت ورزیده است تا مخاطب به مطالبی که نقل شده، اشراف یابد. از این رو، بدون داوری در مورد اخبار نقل شده، به گردآوری آن دست یازیده است .

میلاد کوثر ثانی

هوا گرم بود و سکوت، خیره خیره، پرده سیاه شب را تماشا می کرد. شهر در تاریکی فرو رفته بود. پنجره خانه ای در شهر، گرم انتظار و محو گفت و گوی شب با ستارگانش بود. نسیم، بر دیوارهای آفتاب خورده خانه می وزید. قلب شهر، از تنها پنجره باز و روشن خود می تپید و همه به انتظار نشسته بودند که ناگاه صدای گریه نوزادی خجسته، احساس شب را به بازی گرفت. اشک شوق بر گونه ها غلتید و لب ها، یک صدا، ترانه لبخند سرودند .

غنچه ای دیگر، به باغ حسین (علیه السلام) روییده بود و همه بر گلبرگ رخس، غنچه های عاطفه نثار می کردند. رقیه (علیهاالسلام) در آن شب شکفت، و مادر تاریخ، کتاب کهن خویش را گشود و بر صفحه ای مبهم از آن، قلم را به تکاپو واداشت. ولی آن صفحه مبهم تاریخ، در کوران تاخت و تازهای روزگار، از دفتر گذار زمان جدا گشت و از حافظه آن ناپدید گردید. در کتابچه کوچک زندگانی رقیه (علیهاالسلام)، لحظه رویدنش بدون هیچ سطری، سفید ماند و نام هیچ روزی به عنوان زادروزش ثبت نگردید .

درباره سنّ شریف حضرت رقیه (علیهاالسلام) نیز در میان تاریخ نگاران اختلاف نظر وجود دارد. اگر اصل تولد ایشان را بپذیریم، مشهور این است که ایشان سه یا چهار بهار بیشتر به خود ندیده و در روزهای آغازین صفر سال ۵۶۱ ه.ق، پرپر شده است .

مادر حضرت رقیه (علیهاالسلام)

بر اساس نوشته های بعضی کتاب های تاریخی، نام مادر حضرت رقیه (علیهاالسلام)، امّ اسحاق است که پیش تر همسر امام حسن مجتبی (علیه السلام) (بوده و پس از شهادت ایشان، به وصیت امام حسن (علیه السلام) به عقد امام حسین (علیه السلام) درآمده است ^۱. مادر حضرت رقیه (علیهاالسلام) از بانوان بزرگ و با فضیلت اسلام به شمار می آید. بنا به گفته شیخ مفید در کتاب الارشاد، کنیه ایشان بنت طلحه است ^۲.

نام مادر حضرت رقیه (علیهاالسلام) در بعضی کتاب ها، ام جعفر قضاعیّه آمده است، ولی دلیل محکمی در این باره در دست نیست. هم چنین نویسنده معالی السبطین، مادر حضرت رقیه (علیهاالسلام) را شاه زنان؛ دختر

یزدگرد سوم پادشاه ایرانی، معرفی می کند که در حمله مسلمانان به ایران اسیر شده بود. وی به ازدواج امام حسین (علیه السلام) درآمد و مادر گرامی حضرت امام سجاد (علیه السلام) نیز به شمار می آید.^۳

این مطلب از نظر تاریخ نویسان معاصر پذیرفته نشده؛ زیرا ایشان هنگام تولد امام سجاد (علیه السلام) از دنیا رفته و تاریخ درگذشت او را ۲۳ سال پیش از واقعه کربلا، یعنی در سال ۳۷ هـ.ق دانسته اند. از این رو، امکان ندارد او مادر کودکی باشد که در فاصله سه یا چهار سال پیش از حادثه کربلا به دنیا آمده باشد. این مسأله تنها در یک صورت قابل حل می باشد که بگوییم شاه زنان کسی غیر از شهربانو (مادر امام سجاد (علیه السلام)) است.

نام گذاری حضرت رقیه (علیه السلام)

رقیه از «رقی» به معنی بالا رفتن و ترقی گرفته شده است.^۴ گویا این اسم لقب حضرت بوده و نام اصلی ایشان فاطمه بوده است؛ زیرا نام رقیه در شمار دختران امام حسین (علیه السلام) کمتر به چشم می خورد و به اذعان برخی منابع، احتمال این که ایشان همان فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) باشد، وجود دارد.^۵ در واقع، بعضی از فرزندان امام حسین (علیه السلام) دو اسم داشته اند و امکان تشابه اسمی نیز در فرزندان ایشان وجود دارد.

گذشته از این، در تاریخ نیز دلایلی بر اثبات این مدعا وجود دارد. چنانچه در کتاب تاریخ آمده است: «در میان کودکان امام حسین (علیه السلام) دختر کوچکی به نام فاطمه بود و چون امام حسین (علیه السلام) مادر بزرگوارشان را بسیار دوست می داشتند، هر فرزند دختری که خدا به ایشان می داد، نامش را فاطمه می گذاشت. همان گونه که هرچه پسر داشتند، به احترام پدرشان امام علی (علیه السلام) وی را علی می نامید.»^۶ گفتنی است سیره دیگر امامان نیز در نام گذاری فرزندانشان چنین بوده است.

رقیه از «رقی» به معنی بالا رفتن و ترقی گرفته شده است.^۴ گویا این اسم لقب حضرت بوده و نام اصلی ایشان فاطمه بوده است؛ زیرا نام رقیه در شمار دختران امام حسین (علیه السلام) کمتر به چشم می خورد و به اذعان برخی منابع، احتمال این که ایشان همان فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) باشد.

نام رقیه در تاریخ

این نام ویژه تاریخ اسلام نیست، بلکه پیش از ظهور پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) نیز این نام در جزیره العرب رواج داشته است. به عنوان نمونه، نام یکی از دختران هاشم (نیای دوم پیامبر (صلی الله علیه وآله)) رقیه بود که عمه حضرت عبدالله، پدر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) به شمار می آید.^۷

نخستین فردی که در اسلام به این اسم، نام گذاری گردید، دختر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و حضرت خدیجه بود. پس از این نام گذاری، نام رقیه به عنوان یکی از نام های خوب و زینت بخش اسلامی درآمد .

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نیز یکی از دخترانش را به همین اسم نامید که این دختر بعدها به ازدواج حضرت مسلم بن عقیل (علیه السلام) درآمد . این روند ادامه یافت تا آن جا که برخی دختران امامان دیگر مانند امام حسن مجتبی (علیه السلام)،^۸ امام حسین (علیه السلام) و دو تن از دختران امام کاظم (علیه السلام) نیز رقیه نامیده شدند. گفتنی است، برای جلوگیری از اشتباه، آن دو را رقیه و رقیه صغری می نامیدند.^۹

خاستگاه تربیتی

حضرت رقیه (علیها السلام) در خانواده ای پرورش یافت که پدر، مادر و فرزندان آن، همگی به عالی ترین فضیلت های اخلاقی و پارسایی آراسته بودند . افزون بر آن، فضای دل انگیز شهر پیامبر (صلی الله علیه وآله) که شمیم روح فزای رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، علی (علیه السلام) و فاطمه (علیه السلام) هنوز در آن جاری بود و مشام جان را نوازش می داد، در پرورش او نقشی بزرگ داشت. او در خانواده ای رشد یافت که همگی سیراب از زلال معرفت امام حسین (علیه السلام) بودند؛ خانواده ای که از بزرگ ترین اسطوره های علم و ادب و معرفت و ایثار مانند زینب کبری (علیها السلام)، ابوالفضل العباس (علیه السلام)، علی بن الحسین (علیه السلام)، علی اکبر (علیه السلام) و... تشکیل شده بود .

حضرت رقیه (علیها السلام) در مدت عمر کوتاه خود در دامن این بزرگواران، به ویژه پدر گرامی اش امام حسین (علیه السلام) پرورش یافت و با وجود همان سن کم، به عنوان یکی از زیباترین اسطوره های ایثار و مقاومت در تاریخ معرفی گردید .

دیگر دختران امام حسین (علیه السلام)

در مورد تعداد فرزندان دختر امام حسین (علیه السلام) در میان تاریخ نویسان، اختلاف نظر وجود دارد. بیشتر آنان دو دختر به نام های سکینه و فاطمه برای حضرت ذکر کرده اند و برخی دیگر تعداد دختران حضرت را تا هشت نفر نیز برشمرده اند. در این جا برخی از دیدگاه ها را بیان می کنیم .

۱. علامه ابن شهر آشوب و محمد بن جریر طبری که از تاریخ نویسان بزرگ اسلام هستند، از سه دختر به نام های سکینه، فاطمه و زینب نام برده اند.^{۱۰}

۲. میرزا حبیب الله کاشانی، شمار پسران حضرت را سیزده تن به نام های علی اکبر، علی اوسط، علی اصغر، محمد، جعفر، قاسم، عبدالله، محسن، ابراهیم، حمزه، عمر، زید و عمران دانسته است و تعداد دختران حضرت را

هشت نفر می داند؛ به نام های فاطمه کبری، فاطمه صغری، زبیده، زینب، سکینه، ام کلثوم، صفیه و دختری که در شام از دنیا می رود و نامی از او به میان نمی آورد. او بر این باور است که این چند گانگی تنها در اسم آن ها بوده و بیشتر آنان در مسمی شریک اند؛ زیرا امام حسین (علیه السلام) در تاریخ به کمی فرزند معروف بوده اند. پس ممکن است بعضی از اولاد ایشان دو اسم داشته باشند یا حتی نام نوه های ایشان نیز در ردیف فرزندان شان قرار گرفته باشد و یا به دلیل سرپرستی بعضی یتیمان بنی هاشم مانند فرزندان امام مجتبی (علیه السلام) به اشتباه، نام آنان نیز در شمار فرزندان ایشان دانسته شده باشد^{۱۱}.

۳. علی بن عیسی اربلی، نویسنده کتاب معروف کشف الغمّة فی معرفة الاثمة، می نویسد: امام حسین (علیه السلام) شش پسر و چهار دختر داشت. با این حال، او هنگام برشمردن دختران حضرت، نام سه نفر - زینب، سکینه و فاطمه - را می برد و از نفر چهارم سخنی به میان نمی آورد^{۱۲} که احتمال دارد چهارمین آن ها، حضرت رقیه (علیهاالسلام) باشد.

۴. علامه حایری، در کتاب معالی السبطین، می نویسد: برخی مانند محمد بن طلحه شافعی (از عالمان اهل تسنن) می نویسند: امام حسین (علیه السلام) ده فرزند داشته که عبارت بوده اند از: شش پسر و چهار دختر. سپس می افزاید: دختران او عبارت اند از: سکینه، فاطمه صغری، فاطمه کبری، و رقیه (علیهاالسلام). آنگاه در مورد رقیه (علیهاالسلام) می نویسد: رقیه (علیهاالسلام) پنج یا هفت سال داشت و در شام درگذشت که مادرش، شاه زنان، دختر یزدگرد است^{۱۳}.

پژوهشی در دیدگاه های تاریخی در مورد حضرت رقیه (علیهاالسلام)

در بعضی کتاب های تاریخی، نام حضرت رقیه (علیهاالسلام) آمده، ولی در بسیاری از آن ها نامی از ایشان برده نشده است. این احتمال وجود دارد که تشابه اسمی میان فرزندان امام حسین (علیه السلام)، سبب پیش آمدن این مسأله شده باشد. هم چنان که بعضی از کتاب ها به این مسأله اذعان دارند و بنابر نقل آن ها، حضرت رقیه (علیهاالسلام) همان فاطمه صغری (علیهاالسلام) است. در چگونگی درگذشت ایشان نیز اختلاف نظر وجود دارد که در این جا به این دو مسأله خواهیم پرداخت.

حضرت رقیه (علیهاالسلام) در مدت عمر کوتاه خود در دامن این بزرگواران، به ویژه پدر گرامی اش امام حسین (علیه السلام) پرورش یافت و با وجود همان سن کم، به عنوان یکی از زیباترین اسطوره های ایثار و مقاومت در تاریخ معرفی گردید.

طرح بحث

برای روشن شدن این مطلب، بحث را با طرح یک پرسش بنیادین و بسیار مشهور آغاز می کنیم که: آیا نبودن نام حضرت رقیه (علیهاالسلام) در شمار فرزندان امام حسین (علیه السلام) در کتاب های معتبری چون ارشاد مفید، اعلام الوری، کشف الغمّه و دلائل الامامه، بر نبودن چنین شخصیتی در تاریخ دلالت دارد؟

با بیان چند مقدمه، پاسخ این پرسش به خوبی روشن می شود :

۱. در دوره زندگانی ائمه اطهار (علیهم السلام) و در صدر اسلام مسائلی مانند کمبود امکانات نگارشی، اختناق شدید حکمرانان اموی، کم توجهی به ثبت و ضبط جزئیات رویدادها، فشار حکومت بر سیره نویسان، جانب داری ها و... سبب بروز بعضی اختلافات در نقل مطالب تاریخی می شده است .

۲. در اثر تاخت و تازها و وجود بربریت و دانش ستیزی بعضی حکمرانان، بسیاری از منابع ارزشمند از میان رفته است. به همین دلیل، این گمان تقویت می شود که چه بسا بسیاری از این اسناد و منابع معتبر، در جریان این درگیری ها، از بین رفته و به دست ما نرسیده است .

۳. تعدد فرزندان، تشابه اسمی و به ویژه سرگذشت های شبیه در مورد شخصیت های گوناگون تاریخی و گاه وجود ابهام در گذشته ها و پیشینه زندگی افراد، امر را بر تاریخ نویسان مشتبه کرده است. همان گونه که این مسأله در مورد دیگر شخصیت های تاریخی - حتی در جریان قیام عاشورا - نیز به چشم می خورد .

۴- همان گونه که پیش تر گفته شد، امام حسین (علیه السلام) به دلیل شدت علاقه به پدر بزرگوار و مادر گرامی شان، نام همه فرزندان خود را فاطمه و علی می گذاشتند. این امر خود منشأ بسیاری از سهو قلم ها در نگاشتن شرح حال زندگانی فرزندان امام حسین (علیه السلام) گردیده است. قراین و شواهدی نیز در دست است که رقیه (علیهاالسلام) را فاطمه صغیره می خوانده اند. احتمال دارد همین موضوع سبب غفلت از نام اصلی ایشان شده باشد^{۱۴}.

بنابراین، نیامدن نام حضرت رقیه (علیهاالسلام)، در کتاب های تاریخی، اگر چه شک در وجود تاریخی او را بسیار تقویت می کند، اما هرگز دلیل بر نبودن چنین شخصیتی در تاریخ نیست. افزون بر آن، مهم ترین دلیل فراموشی یا کم رنگ شدن حضور این شخصیت، زندگانی کوتاه ایشان است که سبب شده ردّ کمتری از ایشان در تاریخ به چشم بخورد. در مورد حضرت علی اصغر (علیه السلام) نیز به جرأت می توان گفت: اگر شهادت او بحبوحه نبرد و وجود شاهدان بسیار بر این جریان نبود، نامی از حضرت علی اصغر (علیه السلام) نیز امروز در بین کتاب های معتبر شیعه به چشم نمی خورد؛ زیرا تاریخ نویسی فنی است که با جمع آوری اقوال سر و کار دارد که بسیاری از آن ها شاهد عینی نداشته و به صورت نقل قول گرد هم آمده است. تنها موضوعی که در آن مورد بحث و بررسی قرار می گیرد، درستی و یا نادرستی آن از حیث ثقه بودن راوی است که البته این موضوع فقط در تاریخ اسلام وجود دارد. اما به عنوان نمونه، در بحث حدیث، معرفه ها و مشخصه های دیگری نیز برای

سنجش درستی اخبار، موجود می باشد که خبر را با تعادل و نیز تراجیح، علاج معارضه و تزامم، بررسی دلالت و عملیات های دیگر مورد بررسی قرار می دهند .

افزون بر مطالب بالا، دو شاهد قوی نیز بر اثبات وجود ایشان در تاریخ ذکر شده است. ابتدا گفتگویی که بین امام و اهل حرم در آخرین لحظات نبرد حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) هنگام مواجهه با شمر، رخ می دهد. امام رو به خیام کرده و فرمودند: «أَلَا يَا زَيْنَبُ، يَا سَكِينَةَ! يَا وَلَدِي! مَنْ ذَا يَكُونُ لَكُمْ بَعْدِي؟ أَلَا يَا رُقَيَّةَ وَ يَا أُمَّ كُلْثُومَ! أَنْتُمْ وَدِيعَةُ رَبِّي، أَلْيَوْمَ قَدْ قَرَبَ الْوَعْدُ»؛ ای زینب، ای سکینه! ای فرزندانم! چه کسی پس از من برای شما باقی می ماند؟ ای رقیه و ای ام کلثوم! شما امانت های خدا بودید نزد من، اکنون لحظه میعاد من فرارسیده است^{۱۵}.

هم چنین در سخنی که امام برای آرام کردن خواهر، همسر و فرزندان به آنان می فرماید، آمده است: «يَا أُخْتَاهُ، يَا أُمَّ كُلْثُومَ وَ أَنْتِ يَا زَيْنَبَ وَ أَنْتِ يَا رُقَيَّةَ وَ أَنْتِ يَا فَاطِمَةَ وَ أَنْتِ يَا رَبَّابَ! أَنْظُرْنَ إِذَا أَنَا قُتِلْتُ فَلَا تَشَقَّقْنَ عَلَيَّ جَبِيئاً وَ لَا تَحْمُسْنَ عَلَيَّ وَجْهاً وَ لَا تَقْلَنَّ عَلَيَّ هِجْراً»؛ خواهرم، ام کلثوم و تو ای زینب! تو ای رقیه و فاطمه و رباب! سخنم را در نظر دارید [و به یاد داشته باشید] هنگامی که من کشته شدم، برای من گریبان چاک ننزید و صورت نخرائید و سخنی ناروا مگویید^{۱۶}.

در مورد تشابه اسمی رقیه (علیها السلام) و فاطمه صغیره به یک جریان تاریخی اشاره می کنیم. مسلم گنج کار از اهالی کوفه می گوید: «وقتی اهل بیت (علیهم السلام) را وارد کوفه کردند، نیزه داران، سرهای مقدس شهیدان را جلوی محمل زینب (علیها السلام) می بردند. حضرت با دیدن آن سرها، از شدت ناراحتی، سرش را به چوبه محمل کوبید و با سوز و گداز شعری را با این مضامین سرود :

ای هلال من که چون بدر کامل شدی و در خسوف فرو رفتی! ای پاره دلم! گمان نمی کردم روزی مصیبت تو را ببینم. برادر! با فاطمه خردسال و صغیرت، سخن بگو که نزدیک است دلش از غصه آب شود. چرا این قدر با ما نامهربان شده ای؟ برادر جان! چقدر برای این دختر کوچک سخت است که پدرش را صدا بزند، ولی او جوابش را ندهد»^{۱۷}.

حضرت زینب (علیها السلام) در این شعر از رقیه (علیها السلام) به فاطمه صغیره یاد می کند و این مسأله را روشن می کند که فاطمه صغیره که در بعضی از کتاب ها از او یاد شده، همان دختر خردسالی است که در خرابه شام جان داده است .

در این جا برای روشن شدن بیشتر مسأله، گفتار کتاب های تاریخی و دیدگاه های اندیشمندان اسلامی را بررسی می کنیم .

کامل بهائی

قدیمی ترین کتابی که از حضرت رقیه (علیهاالسلام) به عنوان دختر امام حسین (علیه السلام) یاد کرده است و شهادت او را در خرابه شام می داند، همین کتاب است. این کتاب، اثر عالم بزرگوار، شیخ عمادالدین الحسن بن علی بن محمد طبری امامی است که به امر وزیر بهاءالدین، حاکم اصفهان در روزگار سلطنت هلاکوخان، نوشته شده است. به ظاهر، نام گذاری آن به کامل بهائی از آن روست که به امر بهاءالدین نگاشته شده است .

این کتاب در سال ۶۷۵ هجری قمری تألیف شده و به دلیل قدمت زیادی که دارد، از ارزش ویژه ای برخوردار است؛ زیرا به جهت نزدیک بودن تألیف یا رویدادهای نگاشته شده - به نسبت منابع موجود در این راستا - حایز اهمیت است و منبعی ممتاز به شمار می رود و دستمایه تحقیقات بعدی بسیار در این زمینه قرار می گرفته است. شیخ عباس قمی در نفس المهموم و منتهی الامال، ماجرای شهادت حضرت رقیه (علیهاالسلام) را از آن کتاب نقل می کند. هم چنین بسیاری از عالمان بزرگوار مطالب این کتاب را مورد تأیید، و به آن استناد کرده اند. این نگارنده، کتاب دیگری به نام بشاره المصطفی (صلی الله علیه وآله) لشیعه المرتضی (علیه السلام) دارد که در این کتاب نیز به برخی رویدادهای پس از واقعه عاشورا اشاره شده است. اولین منبعی که در آن تصریح شده که اسیران کربلا در اربعین اول، بر سر مزار شهدای کربلا نیامده اند، همین کتاب می باشد. او جریانی را از عطیه ^{۱۸} دوست جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که به اتفاق هم بر سر مزار اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و شهیدان کربلا حاضر شده، اولین زائرین قبر او در نخستین اربعین حسینی می گردند. اما نگارنده سخنی از ملاقات جابر با اسیران کربلا به میان نمی آورد و بر خلاف آنچه در برخی مقتل ها نگاشته شده، هیچ ملاقاتی در این روز بین او و اسیران کربلا صورت نمی گیرد ^{۱۹}. این موضوع نیز نقطه عطف دیگری در امتیاز و برتری این کتاب می باشد .

نیامدن نام حضرت رقیه (علیهاالسلام)، در کتاب های تاریخی، اگر چه شک در وجود تاریخی او را بسیار تقویت می کند، اما هرگز دلیل بر نبودن چنین شخصیتی در تاریخ نیست. افزون بر آن، مهم ترین دلیل فراموشی یا کم رنگ شدن حضور این شخصیت، زندگانی کوتاه ایشان است که سبب شده ردّ کمتری از ایشان در تاریخ به چشم بخورد

اللهوف

یکی دیگر از کتاب های کهن که در این زمینه مطالبی نقل نموده، کتاب اللهوف از سیدبن طاووس است. باید دانست احاطه ایشان به متون حدیثی و تاریخی اسلام و شیعه، ممتاز و چشم گیر است. وی می نویسد: «شب عاشورا که حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) اشعاری در بی وفایی دنیا می خواند، حضرت زینب (علیهاالسلام) سخنان ایشان را شنید و گریست. امام (علیه السلام) او را به صبر دعوت کرد و فرمود: «خواهرم، ام کلثوم و تو

ای زینب! تو ای رقیه و فاطمه و رباب! سخنم را در نظر دارید [و به یاد داشته باشید] هنگامی که من کشته شدم، برای من گریبان چاک زنید و صورت نخرانید و سخنی ناروا مگویید [و خویشتن دار باشید]^{۲۰}.

بنابر نقل ایشان، نام حضرت رقیه (علیها السلام) بارها بر زبان امام حسین (علیه السلام) جاری شده است. این مطلب در مقتل ابومخنف نیز هست که حضرت پس از شهادت علی اصغر (علیه السلام)، فریاد برآورد: «ای ام کلثوم، ای سکینه، ای رقیه، ای عاتکه و ای زینب! ای اهل بیت من! خدانگهدار! من نیز رفتم». این مطلب را سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (وفات: ۱۲۹۴ ه. ق) در کتاب ینابیع الموده از مقتل ابومخنف نقل می کند^{۲۱}.

المنتخب للطریحی

این کتاب را شیخ فخرالدین طیحی نجفی (وفات: ۱۰۸۵ ه. ق) نوشته است. این کتاب در دو جلد تنظیم شده و هر یک از مجلدات آن حاوی ده مجلس پیرامون سوگواری حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) و روایاتی شامل پاداش سوگواری بر آن امام و نیز مشتمل بر اخباری در گستره رویدادهای روز عاشورا و رویدادهای پس از آن می باشد. اگر چه نگارنده این کتاب از متأخرین بوده و در عصر صفوی زیسته، اما روایات و موضوعات خوبی را در کتاب خود جمع آوری و تنظیم کرده است. وی سن حضرت رقیه (علیها السلام) را سه سال بیان نموده است. پس از او، فاضل دربندی (وفات: ۱۲۸۶ ه. ق) که آثاری هم چون اسرار الشهاده و خزائن دارد، مطالبی را از منتخب طریحی نقل کرده است. بعدها سید محمد علی شاه عبدالعظیمی (وفات: ۱۳۳۴ ه. ق) در کتاب شریف الایقاد، مطالبی را از آن کتاب بیان کرده است. ۲۲ هم چنین علامه حایری (وفات ۱۳۸۴ ه. ق) نیز در کتاب معالی السبطين از کتاب منتخب طریحی بهره برده است .

الدروس البهیة

علامه سید حسن لواسانی (وفات: ۱۴۰۰ ه. ق) در کتاب الدروس البهیة فی مجمل احوال الرسول و العتره النبویة می نویسد: یکی از دختران امام حسین (علیه السلام) به نام رقیه (علیها السلام)، از اندوه بسیار و گرما و سرمای شدید و گرسنگی، در خرابه شام از دنیا رفت و در همان جا به خاک سپرده شد. قبرش در آن جا معروف و زیارتگاه است^{۲۳}.

دیگر کتاب هایی که در این زمینه سخنی دارند، مستقیم یا غیرمستقیم از همین منابع نقل کرده اند. در این جا به بررسی دیدگاه های برخی اندیشمندان اسلامی در این باره می پردازیم .

دیدگاه آیت الله العظمی گلپایگانی (ره)

از آیت الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی (ره) در مورد حضرت رقیه (علیها السلام) و مرقد ایشان در دمشق و هم چنین داستان تعمیر قبر حضرت که به دستور خود ایشان، به وسیله رویای صادقه ای انجام گرفت، پرسیدند. ایشان فرمود :

این گونه مطالب که نقل شده است، هیچ گونه محال بودن از نظر عقلی ندارد؛ لکن از اموری که اعتقاد به آن لازم و واجب باشد، نیست^{۲۴}.

پی نوشت ها :

۱- الاربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة فی معرفة الاثمة، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، بی تا، ج ۲، ص ۲۱۶؛ الطبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، اعلام الوری بأعلام الهدی، بیروت، دار المعرفة، ۱۳۹۹ هـ. ق، ص ۲۵۱.

۲- مفید، محمد بن محمد، الارشاد، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۸ هـ. ش، ج ۲، ص ۲۰۰، اعلام الوری، ص ۲۵۱.

۳- حایری، محمد مهدی، معالی السبطين، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۳ هـ. ش، ج ۲، ص ۲۱۴.

۴- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ. ق، ج ۵، ص ۲۹۳.

۵- نظری منفرد، علی، قصه کربلا، قم، انتشارات سرور، ۱۳۷۹ هـ. ش، پاورقی ص ۵۱۸.

۶- ر.ک: مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ. ق، ج ۴۴، ص ۲۱۰.

۷- همان، ج ۱۵، ص ۳۹.

۸- الارشاد، ج ۲، ص ۲۲.

۹- همان، ص ۳۴۳.

۱۰- ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، بیروت، دار الاضواء، بی تا، ج ۴، ص ۷۷.

۱۱- تذکرة الشهداء، میرزا حبیب الله کاشانی، ص ۱۹۳.

۱۲- کشف الغمّة، ج ۲، ص ۲۱۴.

۱۳- معالی السبطين، ملا محمد مهدی حایری مازندرانی، ج ۲، ص ۲۱۴.

۱۴- محمدی اشتهاردی، محمد، سرگذشت جان سوز حضرت رقیه (علیها السلام)، تهران، انتشارات مطهر، ۱۳۸۰ ه. ش، ص ۱۲ .

۱۵- جمعی از نویسندگان، موسوعه کلمات الامام الحسین (علیه السلام)، قم، دارالمعروف، چاپ اول، ۱۳۷۳ ه. ش، ص ۵۱۱.

۱۶- ابن طاووس، ابوالقاسم ابوالحسن بن سعدالدین، اللهوف علی قتلی الطفوف، قم، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه. ق، ص ۱۴۱؛ اعلام الوری، ص ۲۳۶، با اندکی تغییر .

۱۷- قمی، شیخ عباس، نفس المهموم، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۶۸ ه. ق، ص ۲۵۲؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۵ .

۱۸- در گفتار برخی ذاکران و واعظان مشهور است که عطیه غلام جابرین عبدالله انصاری بوده، در حالی که این مطلب تحریف تاریخ است. عطیه عوفی از رجال کوفه و از اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) بوده و حتی نام گذاری او نیز هنگام تولدش توسط امام علی (علیه السلام) صورت گرفته است. او پنج امام را درک نموده و در زمان امام باقر (علیه السلام) از دنیا رفت (ر.ک : التستری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم، انتشارات جامعه مدرسین)